



اشاره

در شماره پیشین برخی از حکمت‌های موجود در بیماری، همچنین توجه خداوند متعال به بیمار را مورد بررسی قرار دادیم. در این مقال به عوامل بیماری و دستورات اسلامی در خصوص بیماری می‌پردازیم.

عوامل بیماری

دین مبین اسلام، منشأهای متعددی برای بیماری ذکر کرده است. برای نمونه به چند عامل اشاره

می‌شود که نشانه دقت اسلام در مسائل است:

الف. پرهیز نکردن

از نظر بهداشتی ثابت شده است که پر خوری، سیری و حرص بر طعام، معده را نابود می‌کند و کبد را از بین می‌برد و قلب را فانی می‌سازد و باعث تصلب شرایین، آنژین صدری، بالا رفتن فشار خون، پدید آمدن قند در ادرار و بیماری‌های مهلک دیگر می‌شود و اگر انسان به آن گرفتار شود راه علاج ندارد؛ مگر

البته باید دانست که پرهیز و خودداری، به معنای نخوردن نیست؛ بلکه منظور، رعایت اعتدال و به اندازه خوردن است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَيْسَتْ الْجَمِيَّةُ مِنَ الشَّيْءِ تَرَكُهُ إِنَّمَا الْجَمِيَّةُ مِنَ الشَّيْءِ الْإِقْتَالَ مِنْهُ»^۳ منظور از خودداری، ترک کردن نیست، بلکه خودداری از چیزی، کم کردن آن است.»

همچنان که برای پرخوری، آفات بسیاری همچون: قساوت قلب^۴ و آشفتگی خواب^۵ ذکر کرده‌اند و فرد پرخور منفور نزد خدا معرفی شده است؛^۶ برای گرسنگی نیز ثمرات

۳. مکارم الأخلاق، طبرسی، شریف رضی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۶۲.

۴. عدة الداعي، ص ۳۱۳.

۵. غرر الحكم، محمد تمیمی آمدی، تصحیح و ترجمه: میر جلال الدین حسینی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش، ص ۶۰۳.

۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَفْضَلُكُمْ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى أَطْوَلُكُمْ جُوعًا وَ تَفَكُّرًا وَ أَنْفَضُكُمْ إِلَى اللَّهِ

اینکه خود را از بسیاری از خوردنیها باز دارد و در خوردن و آشامیدن اسراف نکند. در روایات اسلامی، پرهیز نکردن عامل مهمی برای بیماری ذکر شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله ۱۴۰۰ سال پیش با تأکید بر پرهیز کردن و پر نکردن معده، معده را خانهٔ مرض نامیده، می فرماید: «الْمَعِدَةُ بَيْتُ الدَّاءِ وَالْجَمِيَّةُ رَأْسُ الدَّوَاءِ»^۱ معده، خانه همه بیماریها و کم خوری سر دسته دواها است.»

و نیز می فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ فُضُولَ الْمَطْعَمِ فَإِنَّهُ يَسُمُّ الْقَلْبُ بِالْفَضْلَةِ وَ يُبْطِئُ بِالْجَوَارِحِ عَنِ الطَّاعَةِ وَ يَصِمُّ الْهَمَمَ عَنِ سِمَاعِ الْمَوْعِظَةِ»^۲ از پرخوری پرهیزید که دل را مسموم می کند و اعضا و جوارح آدمی را برای عبادت سست می کند و گوشها را از شنیدن مواظب محروم می کند.»

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۵۳.

۲. عدة الداعي، ص ۳۱۳.

از این سنت غلط نهی کرده است؛
 زیرا اسراف فراوان به همراه دارد.

رسول خدا ﷺ می فرماید: «سَيَكُونُ
 رِجَالٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْكُلُونَ أَلْوَانَ الطَّعَامِ وَ
 يَشْرَبُونَ أَنْوَاعَ الشَّرَابِ ... فَأَوْلَيْكَ شِرَارُ
 أُمَّتِي»^۱ مردانی از امت من خواهند آمد
 که غذاهای رنگارنگ می خورند، انواع
 نوشیدنیها می نوشند. ... اینان بدهای
 امت من هستند.

ب. اندوه و غم

یکی دیگر از عوامل مهم بیماریها،
 غم و اندوه است. امروزه بسیاری از
 بیماریهای عصبی را نتیجه غم و اندوه
 می دانند. در روایات اسلامی
 می خوانیم که کسی که غم او زیاد
 باشد، بدنش بیمار می شود.^۲

حضرت علی عليه السلام در تعبیر زیبایی

می فرماید: «اللَّهُمَّ يُذَيِّبُ الْجَسَدَ»^۳ [آتش]

بسیاری ذکر شده است. گرسنگی
 باعث سلامت بدن می شود، امراض را
 دفع می کند، دل را نورانی می سازد،
 سبب تقویت ذهن می شود، لذت
 مناجات را بر انسان شیرین می سازد و
 طاعت و عبادت را بر او سهل می کند.
 همچنین گرسنگی، روز قیامت را
 یادآور شده، انسان را از پیروی هوا و
 هوس باز می دارد. بدین علت است
 که جنایت و گناه در ماه مبارک
 رمضان به حداقل می رسد.

با کمال تأسف، امروزه بر سنت
 نکوهش شده پرخوری، سنت چیدن
 غذاهای رنگارنگ در مجالس میهمانی
 نیز اضافه شده است. اسلام به شدت

تَعَالَى كُلُّ نَوْمٍ وَ أَكُولٍ وَ شَرُوبٍ؛ بهترین شما در
 پیشگاه خداوند متعال، کسی است که گرسنگی و
 تفکرش از دیگران طولانی تر باشد و منفورترین
 شما در پیشگاه خداوند متعال، پر خواب، پر خور،
 پر نوش است؛ مجموعه ورام، ورام بن ابی فراس،
 انتشارات مکتبه الفقیه، قم، ج ۱، ص ۱۰۰.

۱. کنز العمال، ج ۳، ص ۵۶۱.

۲. الأملی، شیخ طوسی، ص ۵۱۲.

۳. غرر الحکم، ص ۳۱۲.

باعث شده است که این چنین پیر شوی؟» گفت: گرفتاری و ناراحتی و حزن و اندوه و بیماری.^۲

ادامه روایت: خدای متعال به او می‌فرماید: «ای یعقوب! از من به بندگان من شکایت کردی؟» پس یعقوب در همانجا به سجده افتاد و عرض کرد: «خداوند! دیگر چنین کاری نخواهم کرد.» پس خداوند وحی فرمود: «تو را بخشیدم. پس از این، چنین نکن.» دیگر یعقوب در هیچ مصیبتی از مصائب دنیا لب به شکایت نگشود و فقط گفت: «إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِيَّ وَحَزْنِي إِلَى اللَّهِ»^۳ «من غم و اندوهم را تنها به خدا می‌گویم [و شکایت نزد او می‌برم].»

ج. عوامل بیرونی

در اسلام موارد متعددی از علل بیماریها معرفی شده است. پیشرفتهای

اندوه و غم، بدن آدمی را ذوب می‌کند.»

در سخنی دیگر می‌فرماید: «اللَّهُمَّ نِصْفُ الْهَرَمِ»^۱ اندوه، نیمی از پیری است. «به عبارت دیگر، اثر غصه و غم، انسان نیرومند را ناتوان و در جوانی، او را فرسوده می‌کند و باعث پیری زودرس می‌شود.

ابراهیم خلیل عليه السلام حضرت یعقوب عليه السلام را برای کاری نزد یکی از راهبها و عابدها فرستاد. هنگامی که راهب، او را دید خیال کرد که ابراهیم خلیل است. با سرعت به استقبال او آمد و او را در آغوش گرفت و گفت:

«مرحبا خوش آمدی، ای ابراهیم و ای خلیل خدای رحمان!» یعقوب گفت: «من ابراهیم نیستم. یعقوب بن اسحاق هستم.» راهب گفت: «پس چه عاملی

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین عليه السلام، بوستان کتاب، قم، حکمت ۱۴۳.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۹ و ۷۰.

۳. یوسف / ۸۶.

پستان شیر مده. از هر دو پستان شیر
بده. یکی از آن دو غذا است و
دیگری نوشیدنی و نوشاب.»

نمونه دیگر از بیماریهایی که
امروزه شیوع بسیار دارد، کمر دردهای
شدید است که به دیسک کمر،
معروف است. یکی از عللی که برای
این بیماری ذکر می‌شود، بالا رفتن
زیاد از پله است.

امام صادق علیه السلام در قرن‌ها پیش،
ضمن بیان چند علت از علل تباهی
بدن و پیری زودرس، فرموده است:
«أَرْبَعَةٌ تُهْرِمُ قَبْلَ أَوَانِ الْهَرَمِ أَكْلُ الْقَدِيدِ وَ
الْقُعُودُ عَلَى النَّدَاةِ وَالصُّعُودُ فِي الدَّرَجِ وَ
مُجَامَعَةُ الْعَجُوزِ النِّسَاءِ»^۱ چهار چیز سبب
پیری زودرس می‌شود: خوردن
آبگوشت شب‌مانده، نشستن در جای
مرطوب، بالا رفتن از پله و مجامعت
با پیرزنان.»

پزشکی، علل برخی از این دستورها
را دریافته و علل بسیاری را دریافته
است؛ اما برای داشتن جسمی سالم و
با نشاط، توجه به همه آنها ضروری
است.

برای نمونه در علم پزشکی، یکی
از مشکلات برخی کودکان را
محرومیت از شیر مادر عنوان می‌کنند؛
در حالی که قرآن کریم به تغذیه
کودک با شیر مادر در قرن‌ها پیش،
سفارش کرده است؛ و علم پزشکی،
کم‌تر از یک قرن است که به فواید
شیر مادر پی برده است. امام
صادق علیه السلام نیز تأکید می‌کند که کودک
از دو سینه مادر شیر بخورد. ایشان به
زنی به نام ام اسحاق که در حال شیر
دادن بچه‌اش بود فرمود: «يَا أُمَّ إِسْحَاقَ
لَا تُرَضِّعِيهِ مِنْ تَدْيٍ وَاحِدٍ وَارْضِعيهِ مِنْ
كِلَيْهِمَا يَكُونُ أَحَدُهُمَا طَعَامًا وَالْآخَرُ
شَرَابًا»^۱ ای مادر اسحاق! او را از یک

۲. تحف العقول، ص ۳۱۷.

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۰.

در ارتباط با آنها هستند، دارد که به ترتیب آورده می‌شود.
الف. وظایف بیماران
۱. شکرگزاری

اسلام، بیماران را بر شکرگزاری در مقابل درد و رنج ناشی از بیماری توصیه می‌کند؛ چرا که اگر بیمار از علل بسیاری از بیماریها آگاه باشد و بداند این درد و رنج، عاملی برای امتحان اوست و یا خداوند متعال، مصلحت وی را در این دانسته است که با این ناراحتی بر پاداشش بیفزاید و گناهانش را محو کند، به یقین، خداوند را شاکر و سپاسگزار خواهد بود.

رسول خدا ﷺ این صبر و شکر را کفاره دو سال گناه می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ اشْتَكَى لَيْلَةً فَقَبِلَهَا بِقَبُولِهَا وَ أَدَّى شُكْرَهَا كَانَتْ لَهُ كَفَّارَةٌ سِتِّينَ سَنَةً لِقَبُولِهَا وَ سَنَةَ لَصْبِرِهِ عَلَيْهَا...»^۷ کسی که

همچنین در سخنان معصومان عليهم السلام کوتاه کردن ناخنها مانع [بروز] دردهای بزرگ،^۱ شانه کردن فراوان موها باعث از بین رفتن وبأ^۲ و حمام رفتن با شکم پر، باعث فرسوده شدن بدن و حتی امکان مرگ^۳ و شانه کردن در حمام، عامل وبای مو معرفی شده است.^۴ در این سخنان، عادت به گرفتن ناخن در روز پنج‌شنبه، باعث جلوگیری از چشم درد^۵ و کفش خوب به پا کردن مایه نگهداری بدن دانسته شده است.^۶

دستورهای اسلام، هنگام بیماری اسلام هنگام بیماری، توصیه‌هایی برای بیماران همچنین افراد سالمی که

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۹۰.

۲. همان، ص ۴۸۹.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۵.

۴. علل الشرائع، شیخ صدوق، انتشارات مکتبه الداوری، قم، ج ۱، ص ۲۹۲.

۵. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۶۰.

۶. مکارم الاخلاق، ص ۱۲۲.

۷. عدة الداعی، ص ۱۲۷.

یک شب بنالد و آن شب را بپذیرد [و شکایت نکند] و شکرگزاری آن نیز بکند، کفاره گناهان دو سالش خواهد بود، یک سال به سبب پذیرفتن بیماری، و سال دیگر به علت صبر بر آن شب.»

۲. کتمان بیماری

کتمان بیماری، یکی از مسائلی است که اسلام بر آن تأکید می‌کند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کتمان بیماری را از گنجهای بهشت دانسته، می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ كِتْمَانُ الصَّدَقَةِ وَ كِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ وَ كِتْمَانُ الْمَرَضِ؛^۱ سه چیز از گنجهای بهشتی است: پنهان داشتن صدقه، پنهان کردن مصیبت و پنهان ساختن بیماری.»

آن بزرگوار از آشکار ساختن بیماری پیش از سه روز منع کرده و

آشکار ساختن آن را گلایه از خداوند بر می‌شمرد.^۲

از روایات استفاده می‌شود که شایسته است بیمار پس از سه روز، دوستان خویش را از بیماری‌اش آگاه سازد تا آنان به عیادت او آیند.^۳

۳. شکایت و بی‌تابی نکردن از بیماری

درد و رنج، مصلحت الهی است که خداوند متعال به بندگانش عنایت می‌کند و به سبب آن، بندگان مؤمن و صابر را مشمول عنایت ویژه خویش قرار می‌دهد. متأسفانه برخی از این معارف بلند اسلام بی‌اطلاع هستند و چنان در مشکلات و بیماریها جزع و فزع می‌کنند و از خداوند طلب مرگ می‌کنند که گویی تمام بلاهای عالم به سر آنان نازل شده است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ مَرِضَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً فَلَمْ يَشْكُ إِلَيَّ عُودَهُ

۱. ارشاد، شیخ مفید، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۰۳.

۲. کنز العمال، ج ۳، ص ۳۱۷، ح ۶۷۳۸.
۳. الکافی، ج ۳، ص ۱۱۷.

بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ خَلِيلِهِ إِبْرَاهِيمَ
 خَلِيلِ الرَّحْمَنِ حَتَّى يَجُوزَ الصَّرَاطَ كَمَا لَبَّرِقُ
 اللَّامِعُ؛^۱ هر که یک شبانه روز مریض
 باشد و به عیادت کنندگان شکایت
 نکند، خداوند در قیامت، او را با
 دوستش، ابراهیم خلیل الرحمان
 محشور خواهد کرد تا زمانی که چون
 برق لامع بر صراط بگذرد.»

آن حضرت با بیان این نکته که
 ناله‌های مریض نوشته می‌شود،
 می‌فرمود: «يُكْتَبُ أَنْبِيءُ الْمَرِيضِ حَسَنَاتٍ
 مَا صَبَرَ فَإِنْ جَزَعَ كُتِبَ هَلُوعاً لَأَجْرَ لَهُ؛^۲
 ناله‌های بیمار مادامی که صبر کند،
 حسنه نوشته می‌شود. و اگر بی‌تابی
 نماید [در زمره افراد] بی‌صبر نوشته
 شود و اجری برایش نیست.»

۴. آرزوی مرگ نکردن

یکی از دستوره‌های پیامبر
 اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این است که حتی در

سخت‌ترین شرایط بیماری و رنج،
 آرزوی مرگ نکنید؛ چنان‌که روزی آن
 بزرگوار به عیادت شخصی رفت که
 زبان به شکایت گشوده بود و آرزوی
 مرگ می‌کرد، آن حضرت به او فرمود:
 «لَا تَتَمَنَّ الْمَوْتَ فَإِنَّكَ إِنْ كُنْتَ مُحْسِنًا
 تَزِدُّهُ إِحْسَانًا وَإِنْ كُنْتَ مُسِيئًا فَتُؤَخَّرُ
 تُسْتَعْتَبُ فَلَا تَمَنَّوَا الْمَوْتَ؛^۳ آرزوی مرگ
 مکن؛ زیرا اگر نیکوکار باشی بر
 نیکیهای خود می‌افزایی، و اگر
 گناهکار باشی، مهلت می‌یابی و عذر
 تقصیر می‌طلبی. پس آرزوی مرگ
 مکنید.»

۵. صدقه

صدقه در دستوره‌های دینی عامل
 دفع بسیاری از بیماریها است. معاذ بن
 مسلم می‌گوید که نزد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ
 بودم. سخن از درد و بیماری به میان
 آمد. امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «بیماران خود را
 با دادن صدقه درمان کنید. چه می‌شود

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۶.

۲. دعائم الإسلام، تیمی مغربی، دار المعارف،

مصر، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۱۷.

۳. امالی، طوسی، ص ۳۸۵.

که هر یک از شما، غذای یک وعده خود را صدقه دهد؟ گاه به فرشته مرگ فرمانی ابلاغ می‌شود که روح بنده‌ای را قبض کند. پس آن بنده، صدقه‌ای می‌دهد و به فرشته مرگ خطاب می‌شود: آن فرمان را باز گردان.»^۱

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:
 «تَصَدَّقُوا وَ دَاوُوا مَرَضَكُمْ بِالصَّدَقَةِ، فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَدْفِعُ عَنِ الْأَعْرَاضِ وَالْمَرَضِ وَ هِيَ زِيَادَةٌ فِي أَعْمَارِكُمْ وَ حَسَنَاتِكُمْ؛^۲
 صدقه بدهید و بیماران خود را با صدقه درمان کنید؛ زیرا صدقه از پیشامدهای ناگوار و بیماریها جلوگیری می‌کند و بر عمر و حسنات شما می‌افزاید.»

حضرت علی عليه السلام نیز می‌فرماید:
 «الصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ؛^۳ صدقه، دارویی مؤثر است.»

در حکایت است که فردی خدمت امام کاظم عليه السلام رسید و از بیماری خود و خانواده‌اش به حضرت شکایت کرد. آن بزرگوار فرمود: «ایشان را با صدقه مداوا کن؛ زیرا هیچ چیز همانند صدقه، باعث تسریع در اجابت نمی‌شود و هیچ چیز مثل صدقه برای مریض پر منفعت نیست.»^۴

ب. وظایف افراد سالم

۱. دوری از بیماریهای واگیردار

یکی از دستوره‌های جالب توجه اسلام در ۱۴۰۰ سال قبل که هیچ خبری از مسائل پزشکی نبود، معرفی جذام به عنوان بیماری واگیردار بود. بر این اساس در روایات متعدد درباره پیشگیری از این بیماری سخن به میان آمده است. یکی از این دستورها، رعایت فاصله با افراد جذامی است. رسول خدا عليه السلام در این باره می‌فرماید:

۱. وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۳۷۵.

۲. کنز العمال، ج ۶، ص ۳۷۱، ش ۱۶۱۱۳.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۷.

۴. وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۴۲۳.

شاید بتوان این دستور اسلام را که برای حفظ سلامتی در انسان است، به سایر امراض واگیردار سرایت داد.

۲. پرهیز از نگاه طولانی به افراد مبتلا

به بیماریهای علاج ناپذیر

دستور دیگر اسلام، این است که به مبتلایان به بیماریهای خاص و علاج ناپذیر، نگاه طولانی نکنید. بسا کمال تأسف، برخی به عقب افتادگی ذهنی یا بیماریهای مادر زادی مبتلایند و اعضای آنها به گونه ای است که هر بیننده ای را به خود جلب، و هر انسانی را متأثر می کند. به یقین، نگاه طولانی به این گونه افراد، جز اذیت و آزار آنان سودی به همراه ندارد. رسول خدا ﷺ از نگاه ممتد به بیماران به شدت نهی می کند و می فرماید: «لَا تُدِيمُوا النَّظَرَ إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ وَالْمَجْذُومِينَ فَإِنَّهُ يَحْزَنُهُمْ»^۳ چشم خود

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِهَ لَكُمْ آيْتَهَا الْأُمَّةُ أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ خُصْلَةً وَنَهَاكُمْ... يُكَلِّمَ الرَّجُلُ مَجْذُومًا إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ قَدْرُ ذِرَاعٍ»^۱ خداوند متعال برای شما ای امت، بیست و چهار خصلت را بد می داند و نهی کرده است... [یکی از آنها این است] که کسی با جذامی سخن بگوید؛ مگر اینکه میان او و جذامی، یک ذراع فاصله باشد.»

همچنین آن حضرت از نوشیدن آب از دهانه ظرف منع کرده است؛ چرا که نوشیدن آب از ظرف، باعث آلوده شدن آن می شود و امکان سرایت بسیاری از بیماریها از این طریق میسر می شود. این دستور بهداشتی بسیار ارزنده ای است که دانش بشری، قرنها بعد بدان دست یافته است.^۲

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۶.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۶۴. در روایت آمده است: «أَنَّ نَهْيَ عَنِ اخْتِنَاتِ الْأَسْقِيَةِ قَالَ وَمَعْنَى الْاِخْتِنَاتِ أَنْ تُتَقَى أَفْوَاهُهَا فَمَنْ تَشَرَّبَ مِنْهَا؛ رسول

خدا ﷺ از اختنات اسقيه نهی فرمود و فرمود: معنای اختنات آن است که لبه آن را دو لا کند بعد، از آن آب بیاشامد.»

۳. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۵.

نکنید؛ چرا که خداوند، آنان را اطعام و سیراب می‌کند.»

در روایتی دیگر می‌فرماید: «إِذَا اشْتَهَى مَرِيضٌ أَحَدَكُمْ شَيْئًا فَلْيُطْعِمَهُ؛^۳ هرگاه مریض یکی از شما به چیزی میل داشت به او بدهد.»^۴

۴. توقف برای بهبود همسفر بیمار

اسلام، توقف سه روز برای بهبود همسفر بیمار را از حقوق واجب او دانسته است؛ چنان‌که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «حَقُّ الْمُسَافِرِ أَنْ يُقِيمَ عَلَيْهِ أَصْحَابُهُ إِذَا مَرَضَ ثَلَاثًا؛^۵ حق مسافر، این است که اگر مریض شود رفقاییش تا سه روز برای او اقامت گزینند [و بمانند].»

سخت‌تر از بیماری بدن چیست؟

با همه اوصافی که برای بیماری تن گفته شد؛^۶ اما باید دانست که از

۳. سنن، ابن ماجه، ج ۴، ص ۹۷، ح ۲۵۱۵۷.

۴. البته به نظر می‌رسد این دستور، شامل حال کودکانی نمی‌شود که صلاح و مصلحت خود را نمی‌دانند و دارو نمی‌خورند.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۶۷۰.

۶. الخصال، شیخ صدوق، انتشارات جامعه

مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۳۸.

را به مردم بلا زده و جزای ندوزید و نگاه طولانی نکنید؛ چرا که این عمل، آنان را اندوهگین می‌سازد.»

بدتر آنکه برخی با دیدن این گونه افراد، شروع به گفتن لا اله الا الله و الحمد لله در مقابل آنان می‌کنند. این عمل باعث ناراحتی بیش‌تر آنان می‌شود که به یقین، کاری ناپسند است. در روایت است که اگر یکی از شما، برادر خویش را گرفتار بلایی ببیند، خداوند را [بر سلامت خویش] بستاند، و [البته مراقب باشد] این حمد گفتن به گوش آن بیمار نرسد.^۱

۳. مجبور نکردن بیمار به خوردن غذا

دستور دیگر اسلام، این است که بیمار را در خوردن غذا راحت بگذارید و او را به خوردن چیزی مجبور نکنید. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

می‌فرماید: «لَا تُكْرِهُوا مَرَضًاكُمْ عَلَى الطَّعَامِ فَإِنَّ اللَّهَ يُطْعِمُهُمْ وَيَسْقِيهِمْ؛^۲ بیماران خود را بر خوردن غذا مجبور

۱. کنز العمال، ج ۲، ص ۱۴۲، ح ۳۵۱۰.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۵۹.

الْبَدَنِ وَ أَشَدَّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ
 أَلَا وَ إِنَّ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ؛^۲
 آگاه باشید که فقر نوعی بلاست و
 سخت‌تر از تنگدستی، بیماری تن
 است و سخت‌تر از بیماری تن،
 بیماری قلب است. آگاه باشید که
 همانا، عامل تندرستی بدن، تقوای دل
 است.»

امام حسن علیه السلام در روایت زیبای
 دیگری می‌فرماید: «عَجَبٌ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي
 مَا كُورِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَقُولِهِ فَيَجْتَنِبُ
 بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ؛^۳
 شگفتا از کسی که در خوراکش فکر
 می‌کند [که آیا این خوراک برایش
 سود دارد یا زیان]؛ چگونه در امور
 معنوی [و غذای جان خویش] تعقل
 نمی‌کند، شکم را از طعام مضر بر
 حذر می‌دارد؛ در حالی که سینه‌اش [و
 قلبش] را به امور پست می‌سپارد.»

دیدگاه اسلام، اهمیت توجه به
 بیماریهای قلبی، بسیار بیش‌تر از
 بیماریهای جسمی است. حکایت
 است که حضرت عیسی علیه السلام بر مردی
 گذشت که به چندین بیماری مبتلا
 بود؛ نه چشمی داشت که ببیند و نه
 پایی که راه رود؛ جذام بر سر و روی
 او زده بود و پوستش، پیسی داشت.
 به گوشه‌ای افتاده بود و می‌گفت:
 شکر آن خدای را که مرا عافیت داد و
 در سلامت نهادا

حضرت عیسی علیه السلام به او فرمود:
 ای مرد! مرضی وجود دارد که به آن
 مبتلا نشده باشی و از آن به سلامت و
 عافیت باشی؟

گفت: عافیت و سلامت من
 بیش‌تر است از کسی که در قلب وی،
 معرفت و حق نیست.^۱

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ
 مِنْ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ وَ أَشَدَّ مِنْ الْفَاقَةِ مَرَضٌ

۱. جامع السعادات، محمد مهدی نراقی، تصحیح

محمد رضا مظفر، مکتبه الداوری، قم، ج سوم، ج ۳،

ص ۲۰۸.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۸۸.

۳. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۶۸.